

باز هم مقاومت محسن نوربخش:

آیا خصوصی سازی بانک‌ها به درازا می کشد؟

با آنکه سازمان خصوصی سازی اعلام کرد که سهام بانک و بیمه دولتی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد اما محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی، گفته است تا از این سیره های سپرده گذاران مطمئن نشده، اجازه خصوصی سازی بانک های دولتی را نخواهد داد.

مهدی علی اکبر، مدیر عامل سازمان خصوصی سازی، چندی پیش به خبرنگاران گفته بود سهام چهار بانک تجارت، ملت، سپه و صادرات به بخش خصوصی واگذار خواهد شد و بانک های مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن و ملی همچنان در اختیار دولت باقی خواهد ماند.

علی اکبر، با اشاره به پیشنهاد هیات عالی واگذاری در مورد واگذاری بیمه های دولتی، گفت: «۸۰ درصد سهام بیمه آسیا، البرز و دانا و ۵۲ درصد بیمه ایران به بخش خصوصی واگذار خواهد شد»

در پی انتشار این خبر، محسن نوربخش گفته است تا زمانی که بانک مرکزی مطمئن نشود که سهامدار در نحوه اداره موسسه جدید، حافظ داری سپرده گذاران خواهد بود، اجازه خصوصی سازی بانک ها را نمی دهد.

نوربخش خصوصی سازی بانک ها را با انتقال واحدهای صنعتی مقایسه کرده و گفته است: «وضع بانک با کارخانه فرق دارد زیرا در کارخانه، یک دارایی فیزیکی مشخص وجود دارد که در صورت بروز مشکل، کارخانه تعطیل و کارگزارش باز خرید می شوند اما در بانک چنین اتفاقی نمی تواند رخ دهد و بانک بر اساس قانون پولی و بانکی اداره می شود و تعهدات سهام داران در مقابل سپرده گذاران بسیار محکم تر از اینهاست.»

گزارش ها حکایت از آن دارد که ۳۰ درصد از سهام بانک صادرات به سازمان تامین اجتماعی و ۳۰ درصد نیز به سازمان بازنشستگی کشور بابت بازپرداخت بدهی های دولت به این دو سازمان واگذار شده است.

ملی شدن بانک‌ها

در خردادماه سال ۱۳۵۸، دولت موقت، مدیریت بانک‌ها را ملی اعلام کرد.

دلیل این اقدام مقابله با احتمال برداشت های غیر عادی، خروج سرمایه بانک ها از کشور و ناتوانی آنها در بازپرداخت وام های دریافتی اعلام شد. اما شورای انقلاب، که در آن زمان نقش قوه مقننه را ایفا می کرد، این کار را کافی ندانست و مالکیت و داری های بانک ها را نیز ملی کرد.

با این اقدام، ۲۸ بانک خصوصی موجود در ایران در انحصار دولت قرار گرفت که بعدها دولت آنها را در قالب ۶ بانک تخصصی و ۴ بانک تجاری سازماندهی کرد.

با ملی شدن و در پی آن، اجرای قانون بانکداری اسلامی، بدون ربا، کم کم بانک ها در خدمت اهداف دولت قرار گرفتند. تسلط دولت سبب شد بانک ها از سودآوری به عنوان هدف اصلی خود دور شده و به سوی اهداف تعیین شده حمایتی دولت هدایت شوند. کارشناسان، حمایت از یک بخش یا فعالیت تولیدی خاص و ارائه تسهیلاتی با نرخ کمتر از نرخ تورم، یعنی تسهیلات تکلیفی را نمونه ای از تغییر اهداف بانکی به سوی اجرای هدف های دولتی عنوان می کنند.

به گفته آنان، اعطای این تسهیلات حاوی پارانه ای است که دولت به متقاضیان وام در فعالیت های مورد نظر خود اختصاص می داد و این با اصلی سودآوری بانک ها در تضاد بوده است.

تفکر دولتی

به تدریج حاکمیت تشکر دولتی در ایران به حدی گسترش یافت که این تصور را قوت بخشید که دولت و بانک ها دارای یک شخصیت واحد هستند و اصولا بانک ها باید در راستای ارایه خدمات دولتی فعالیت کنند.

این انحصار سبب شد دولت، بانک ها را به عنوان منبع مالی تحت اختیار خود تلقی کند که در قالب تبصره های تکلیفی، وام های کلانی را در اختیار شرکت های دولتی قرار می دهند، وام هایی که کمتر به منبع اصلی آن بازگردانده شده است.

در این سال ها دولت برای تأمین کسری بودجه نیز دست به دامن سیستم بانکی شد و کسری بودجه را از محل استقراض از بانک مرکزی تأمین کرد.

بسیاری استقراض دولت از نظام بانکی راه که افزایش حجم نقدینگی راه دنبال داشت،

عامل اصلی عینیت بخشیدن به فشارهای تورمی موجود در ایران می‌دانند.

علاوه بر مداخله دولت در تعیین میزان اعتبارات و نرخ بهره تسهیلات بانکی، نرخ سود نیز به صورت دستوری از سوی دولت تعیین می‌شود که عموماً کمتر از نرخ تورم بوده است. با انحصار دولت، کیفیت و تنوع خدمات بانکی نیز در ایران به شدت کاهش یافته است.

ناکارایی نظام بانکی در کنار گرایش به خصوصی سازی پس از پایان جنگ با عراق باعث شد تا افزایش کارایی نظام بانکی مورد توجه کارشناسان قرار گیرد. از میان روش های موجود برای بهبود کارایی نظام بانکی، سه روش واگذاری سهام به کارکنان، واگذاری بانک ها به بخش خصوصی و خصوصی سازی مدیریت بانک ها مورد توجه قرار گرفته است. در آن زمان هیچ یک از پیشنهادها در عمل به اجرا در نیامد.

مشکل قانونی

مشکل اصلی تاسیس بانک های خصوصی و خصوصی سازی بانک های دولتی در ایران به اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی بازمی‌گردد.

بر اساس این اصل، صنایع مادر نظیر بانکداری، بیمه، هواپیمایی، کشتیرانی و مختبرات قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست مگر آنکه تصمیم گیران اقتصادی به این نتیجه برسد که واگذاری این صنایع موجب پیشرفت اقتصادی کشور خواهد شد.

دولت با استفاده از این بخش از اصل ۴۴ در برنامه سوم طرحی را در پیش گرفت تا بخش های نظیر بانکداری، بیمه، نیروگاه، صنایع فولاد و نظایر آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

بانک های خصوصی

بعد از مدت ها کشمکش، در سال ۱۳۷۲ آیین نامه موسسات اعتباری غیربانکی تصویب شد و موسسه توسعه صنعت ساختمان به عنوان اولین موسسه اعتباری خصوصی بعد از انقلاب فعالیت خود را در سال ۱۳۷۶ آغاز کرد.

موسسه اعتباری بنیاد متعلق به بنیاد مستضعفان - شش سال پیش از تصویب این آیین نامه فعالیت خود را آغاز کرد.

با وجود این آیین نامه، نازمانی که قانون پنج ساله برنامه سوم تصویب نشده بود امکان تاسیس بانک غیر دولتی وجود نداشت.

بر اساس این قانون، بانک مرکزی موظف شده به منظور افزایش رقابت بانک ها، زمینه فعالیت موسسات و سازمان های اعتباری غیر دولتی را فراهم کند.

در پی آن، شورای پول و اعتبار با تصویب شرایط تاسیس بانک خصوصی راه را برای تاسیس بانک های غیر دولتی با مالکیت و مدیریت بخش خصوصی و تعاونی فراهم کرد. حداقل سرمایه اولیه برای تاسیس بانک خصوصی ۲۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شد که ۵۰ درصد آن باید قبل از صدور مجوز از سوی بانک مرکزی در اختیار این بانک قرار گیرد.

متقاضیان بسیاری برای تاسیس بانک در سال ۱۳۷۹ ثبت نام کردند اما تاکنون تنها بانک هایی نظیر اقتصاد نوین، توسعه کارآفرین، سامان و پارسیان با دریافت مجوز فعالیت کار خود را آغاز کرده اند.

هنوز نامنه فعالیت این بانک ها در بهترین شرایط از تاسیس شعانی در تهران و بند شهر بزرگ فراتر نرفته است.

گفتی خصوصی سازی

پیش بینی شده بود که در سال جاری ۶۰۰ میلیارد تومان از سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود که تاکنون تنها ۲۸۵ میلیارد تومان آن واگذار شده است.

دولت در بودجه سال آینده ۷۰۰ میلیارد تومان درآمد از محل فروش سهام شرکت های دولتی را پیش بینی کرده است.

روند واگذاری سهام شرکت های دولتی بسیار کند بوده است.

علی اکبر، مدیر عامل سازمان خصوصی سازی با مقصود دانستن سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گفته است: مشخص نشدن اجزای درآمد فروش شرکت های دولتی به وسیله سازمان مدیریت و برنامه ریزی دلیل اصلی کند بودن روند خصوصی سازی است. محمد ستاری فر، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، در واکنش به این سخنان گفته است: وزارت اقتصاد و دارایی متولی امر خصوصی سازی است نه سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

او تأکید کرده است که بر اساس قانون اموال دولت دست این سازمان نیست.

واکنش ستاری فر در واقع به سازمان خصوصی سازی برمی گردد که یکی از

سازمان های تحت پوشش وزارت اقتصاد و دارایی است و دستگاه های دولتی، با در اختیار قرار دادن اموال، سهام و مالکیت خود به این سازمان اجازه می دهند تا این واحدها را واگذار کند.

به نظر می رسد با اختلاف نظر های موجود بین مدیران اقتصادی کشور، طرح واگذاری بانک های دولتی به درازا خواهد کشید.

این طرح پس از تصویب هیات وزیران قابل اجرا خواهد بود که هنوز موضوع آن برای بررسی به هیات وزیران ارایه نشده است.